



نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر گرامی اسلام(ص) در مسیر وحدت اسلامی

وحدت امت همواره یکی از آرمانهای دینی پیامبران توحیدی قلمداد می شده و بر این بنیان، یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر اکرم(ص) نیز پی ریزی شاکله های پیدایش آن بوده است.

وحدت امت همواره یکی از آرمانهای دینی پیامبران توحیدی قلمداد می شده و بر این بنیان، یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر اکرم(ص) نیز پی ریزی شاکله های پیدایش آن بوده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، در آستانه سالروز رحلت پیامبرگرامی اسلام (ص) در سایت شخصی آیت الله جاودان مطلبی با عنوان «نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر گرامی اسلام(ص) در مسیر وحدت اسلامی» نگاشته شده است که متن آن در پی می آید:

نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر(ص) در مسیر وحدت اسلامی

مقدمه

عنوان «راهبردهای ارزشی و اجتماعی» به بررسی نقش و تاثیر پیامبر اکرم(ص) در به کارگیری عامل «وحدت اسلامی» به عنوان یکی از ابزارها در جامعه اسلامی آن زمان می پردازد.

در يك تقسیم بندی کلی نقش پیامبر اکرم(ص) در پایه گذاری وحدت امت اسلامی شامل سه مطلب بنیادین می شود: نخست تلاش در وضعیت جامعه عربی آن زمان و به کارگیری عوامل «سیاسی» جهت زمینه سازی های لازم؛ سپس برنامه ریزی های «فرهنگی» در مسیر ترسیم دورنمای امت واحده برای مسلمانان و ایجاد فضای رشد فکری و ارتقای فهم مردم نسبت به مسؤولیت های خود؛ و در نهایت، به کار بستن راه حل هایی که پیامبر اکرم(ص) از آنها به عنوان ابزار تحقق وحدت بهره می گرفت.

این چنین راهبردهایی را می توان تحت عنوان «دعوت ارزشی پیامبر(ص) برشمرد که پاره ای از آنها شامل «راهبردهای ارزشی ملی و مذهبی»، «راهبردهای ارزشی قومی و میهنی» و نیز «راهبردهای ارزشی اجتماعی و فردی» خواهند بود. و اینک به هر بخش اشاره ای گذرا خواهیم کرد.

راهبردهای ملی و مذهبی

الف) ایجاد وحدت ملی و همبستگی ایمانی

ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه همراه با عقد قراردادهایی بین گروه های گوناگون بود. این پیمان ها را می توان یکی از بارزترین شواهد به کارگیری ره یافت وحدت اسلامی در جامعه آن زمان شمرد.

پیمان نامه عمومی مدینه

یکی از مهمترین این پیمانها، اولین قراردادی بود که بین پیامبر اکرم(ص) و طوایف و قبایل موجود یثرب بسته شد و بعضی آن را «نخستین قانون اساسی مکتوب جهان» دانسته اند. این تدبیر بهترین مقوله برای به وجود آوردن وحدت ملی و همبستگی دینی بود چرا که وحدت میان قبایل درگیر، حقوق اجتماعی یهودیان و نیز مهاجران مسلمانان را تضمین می کرد و از سوی دیگر، این پیمانها مقدمات تشکیل يك وحدت سیاسی و حکومتی را فراهم می آورد.

به عنوان نمونه در مفاد قرارداد بین مسلمین به روشنی قید شده بود که مسلمین امت واحده ای، جدای از مردم دیگر هستند: (انهم امة واحدة من دون الناس)، و ارتباطی بین مسلمانان و کافران نیست و دوری بین مسلم و مسلم نباید باشد. اگر چه روح حاکم بر این پیمانها همانا به کارگیری ابزار وحدت اسلامی در جهت راهبرد ارزشی پیامبر اکرم(ص) در جامعه اسلامی است و از همین رو تمام موارد آن مصداق این امر قرار دارند، ولی به بعضی از آن موارد اشاره می کنیم: (۱)

- مسلمین در برابر ظلم و تجاوز و توطئه و فساد با هم متحد خواهند بود.
- هیچ مؤمنی بدون اشاره سایر مؤمنان در جهاد فی سبیل الله صلح نمی کند و صلح جز برای همگان اجرا نخواهد شد.
- تمامی گروهها (که به جنگ مشغول اند) به ترتیب وارد جنگ خواهند شد و جنگیدن به يك گروه (دومرتبه پشت سرهم) تحمیل نخواهد شد.

- «ذمة الله» نسبت به همه افراد یکسان است.

- اگر اختلافی بین مسلمین بروز کرد، مرجع حل آن خدا و رسول خواهند بود.

- مسلمین، فرد مقروض و مدیونی را که دین او سنگین است رها نخواهند ساخت، بلکه او را کمک می کنند.

و در قسمت دیگری از این عهدنامه تاریخی که طرف خطاب آن یهودیان مدینه بودند، اموری پیش داوری شد که توجه به مفاد آن حاکی از انگیزه تحقق وحدت ملی توسط پیامبر اکرم(ص) است:

- مسلمانان و یهودیان امت واحده اند و مانند يك ملت در مدینه زندگی خواهند کرد و هر يك دین خود را دارند.

- به یهودیان هم پیمان، همراهی و کمک خواهد شد و متقابلاً وقتی مسلمین آنها را به مصالحه می خوانند، یهودیان باید

بپذیرند.

- مسلمین و یهود هر دو باید بر ضد کسانی که با این قرارداد به مخاصمه برمی خیزند، مبارزه کنند.

- هر دو باید با یاری یکدیگر در برابر مهاجمان به یثرب بجنگند.

- هیچ کافری از ناحیه دو طرف اجیر نشود مگر این که به مصلحت هر دو گروه باشد.

به هر حال، باید چنین نتیجه گرفت که کوشش برای ایجاد حساسیت مشترک دینی و ملی یکی از شاخص‌ترین راه‌حل‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در جهت تحقق وحدت اسلامی شمرده می‌شود.

تثبیت وحدت ایمانی: پیامبر(ص) بعدها نیز در مسیر تثبیت همبستگی ایمانی مسلمین مکررا بر این موضوع تاکید فرمود. در بخشی از سخنان حضرت پس از فتح مکه و در مسجدالحرام چنین نقل کرده اند که فرمود: «المسلم اخ المسلم والمسلمون هم ید واحد علی من سواهم تتکافوا دمائهم یسعی بذنبهم ادناهم» (۲)

ایجاد چنین حس مشترک دینی و پیوستگی مذهبی واحد بین مؤمنان در کلام زیبایی منسوب به حضرت کاملاً مشهور است که: «المؤمنون کنفس واحدة».

ب) پیوند روح اخوت و برادری

پیدایش تعلق اجتماعی: در نخستین سال ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه یکی از مهمترین ابتکارها و راهبردهای مهم حضرت در به کارگیری عامل وحدت دینی واقع می‌شود؛ یعنی پیوند (عقد) مؤاخات بین کلیه مسلمانان اعم از مرد و زن:

رسول خدا(ص) در يك مجلس عمومی می فرماید: «تآخوا فی الله اخوین اخوین» (۳)

این پیمان برادری همگانی تنها براساس نفی انگیزه های قومی و قبیله ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت چه این که: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون» (حجرات ۱۰/)

پیامبر اکرم(ص) بین هر مهاجر و یکی از مردم مدینه عقد برادری بست و در يك انگاره تاریخی، حضرت علی را در دنیا و آخرت برادر خود خواند که: «انه منی و انا منه».

به هر ترتیب، این تصمیم داهیه، کارآمدترین ابزار تحقق الفت فراگیر در جامعه آن زمان بود که نشان از همه کوشش پیامبر اکرم(ص) برای پیدایش يك تعلق اجتماعی بالنده بر محور ایمان به خدا داشت.

محبت الهی پایه تشکیل جامعه آرمانی

جامعه مطلوب پیامبر اکرم(ص)، نظامی است که تمامی اعضای آن بر محور دیانت توحیدی، پیوند برادری با یکدیگر دارند و مکلف هستند آن را استوار نگه دارند تا خداوند عزیز حکیم نیز زمینه های الفت و وحدت دلها را (به قدرت خود) پایدار سازد و بدین‌سان پایه های تفاهم اجتماعی جامعه اسلامی محکم گردد: «وان یریدوا ان یخدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین * و أَلَفَ بین قلوبهم لو انقفت ما فی الارض جمیعاً ما أَلَفَتْ بین قلوبهم و لكن الله أَلَفَ بینهم انه عزیز حکیم» (انفال ۶۲ و ۶۳)

براساس مفاد آیات الهی اولاً بدون تحقق الفت اجتماعی نمی توان سخن از جامعه کرد؛ ثانیاً تحقق این امر تنها به دست خداست، ثالثاً مؤمنان نیز قادرند شرایط و زمینه های وحدت اجتماعی را فراهم آورند. (۴)

کلام راستین خداوند پیرامون مساله برادری قبایل یثربی نیز بس گویاست: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً» (آل عمران ۱۰۳/)

جامعه آرمانی پیامبر اکرم(ص) که در آن روح اخوت و برادری موج می زند، جامعه ای است که در شدت بر کفر و رحمت به ایمان، حول يك محور، وحدت می یابند، یعنی: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم» (فتح ۲۹/)

جامعه ای که مانند پیکره‌ای واحد است و تمام افراد آن در ارتباطی وحدت بخش با یکدیگر پایدار می مانند و روح عشق و ایمان مذهبی در تار و پود آن جریان دارد: «مثل المؤمنین فی توادهم وتراحمهم وتعاطفهم کمثل جسد واحد اذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الاعضاء بالسهر والحمی» (۵)

بهره وری از ظرفیت‌های اجتماعی

در نتیجه پیامبر اکرم(ص) با طرح پیمان برادری انصار و مهاجران، از ظرفیت خاص چارچوب اجتماعی جامعه عربی (که حمایت از هم پیمانان خود بوده) در جهت اهداف تحقق امت واحده بهره برد و این موفقیت بارز پیامبر(ص) نه تنها باعث تعجب افرادی چون ابوسفیان شد، که حتی آثار و پیامدهای این مساوات اسلامی تا مقدم داشتن اموال و دارایی ها نسبت به یکدیگر پیش رفت. مورخان نقل می کنند که در جریان برادری مهاجر و انصار، پیمانی بسته شد که شامل مشارکت در میراث هم بود و در همین راستا رویداد تقسیم غنایم جنگی «بنی النضیر» از بهترین نمونه هاست.

به هر حال، سراسر وقایع تاریخ اسلام گویای شواهدی است که نقش پیامبر اکرم (ص) را در جلوگیری از افتراق صفوف مسلمین و متقابلاً بهره بری ابزار وحدت اسلامی نشان می دهد و این دستور آشکار قرآن بود که: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا واختلَفوا...» (آل عمران ۱۰۵/). تلاش پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در ایجاد وحدت به اوج کوشش‌های ممکن، می رسد و چون آرمان وحدت را یکی از رسالت‌های الهی بعثت خود می داند؛ و رنج تفرق مؤمنان بر او گران می آید و سخت مهربان و هواخواه آنان است، پس در این راه تمام توان خود را به کار می برد که: «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم» (توبه/۱۲۸) و شاید به همین دلیل است که خود می فرماید: «ما اودی نبی مثل ما اودیت» (۶)

راهکار سازگاری و همدلی: موضوع «اصلاح ذات البین» و سفارشها و موضعگیری های پیامبر اکرم (ص) پیرامون آن نیز، در ردیف راهکارهای ایجاد برادری قرار می گیرد:

«... وفي الخبر عن ابي ايوب قال: قال رسول الله(ص): يا ابا ايوب الا ادلك على صدقة يحبها الله و رسوله قال: بلى. فقال رسول الله: تصلح بين الناس اذا تفاسدوا... و في رواية تسعى في اصلاح ذات البين اذا تفاسدوا و تقرب بينهم اذا تباغضوا». (۷) و نیز نقل شده که درباره آیه اخوت از پیامبر اکرم(ص) پرسش کردند، فرمود: مزد آن کس که در برقراری آشتی میان مردمان بکوشد؛ برابر مزد کسی است که در راه خدا پیکار کند. (۸)

بدین ترتیب یکی از این شیوه ها را در تصمیمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مبنی بر «اصلاح ذات البین» در مورد تقسیم غنائم جنگ بدر می گیرد، مشاهده می کنیم. قطعا فقدان قانون خاص تقسیم غنائم و نیز عدم آمادگی تربیتی و اخلاقی کامل مسلمانان آن دوره، عواملی بود تا در وحدت پویای جامعه اسلامی ایجاد خلل کند. از این رو، پیامبر(ص) مأمور به اصلاح امور و حفظ یکپارچگی ملت می شود و مؤمنان نیز موظف به رعایت همدلی و تبعیت از رسول اکرم(ص) که: «فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم واطيعواالله ورسوله ان کنتم مؤمنين». (انفال/ ۱)

پیامبر(ص) به گونه ای اختلاف زدایی می کند که شقاقی (هر چند ناچیز) در پیکره وحدت دینی مسلمین سر برنیاورد؛ چنان که مورخان نقل کرده اند، پیامبر اسلام (ص) حتی برای گروهی هم که در جنگ حاضر نبودند سهمی از غنیمت قرار می داد. (۹) جالب توجه است که پیش از آغاز جنگ بدر، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله با وجود اعلام حمایت عده ای از مهاجران، در انتظار اعلام رضایت انصار مبنی بر آمادگی جهاد نبرد با دشمن است؛ چون محتوای قرارداد انصار با پیامبر(ص) درباره دفاع از حضرت در داخل شهر مدینه بود و نه همراهی در جنگ های خارج، لذا پیش از حرکت به دنبال رای و نظر انصار بود و پس از اطمینان از یاری آنان آماده کارزار می گردد.

این امر در واقع نشان از اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به رعایت سنت های اجتماعی و ملاحظه شرایط خاص سیاسی زمان دارد. (۱۰)

تفوق به جای تفرق: رویداد دیگری که در جریان جنگ احد شاهدیم دستوری است که قرآن به پیامبر صلی الله علیه وآله می دهد مبنی بر عدم ملامت پاره ای مسلمانان به سبب فرار از جنگ و در برابر، بخشودن آنها و سعی در امیدوار ساختن و همکاری به گونه ای که جذب جامعه اسلامی شوند و در مسیر اصلاح و تربیت روحی قرار گیرند: «فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فی الامر...» (آل عمران / ۱۵۹)

قطعا یکی از ریشه های اصلی چنین تصمیم پسندیده ای، همخوانی با وحدت و یکپارچگی سیاسی امت اسلام بوده است تا از این طریق پیشاپیش زمینه افتراق بین گروه های مسلمان (به علت طرد افرادی از مبارزین که در جریان جنگ دچار خطا و تخلف شدند) و سایر اقشار جامعه، محو شود.

در همین جنگ است که به نقل تاریخ؛ جوان مسلمان ایرانی پس از وارد آوردن ضربه ای بر افراد سپاه دشمن می گوید: «خذا و انا الغلام الفارسی» (این ضربت را تحویل بگیر که منم يك جوان ایرانی) اما پیامبر اکرم(ص) او را خطاب و عتاب نمود که چرا نمی گویی منم يك جوان انصاری؟! و منظور آن است که به این وسیله هم، آهنگ برانگیخته شدن تعصبات قومی دیگر را خاموش، و وحدت صفوف اسلام را حفظ کند و هم، ملاک افتخار و ارزش را از محور قوم و نژاد و ملیت به دین و مکتب و ارزشهای توحیدی بازگرداند.

بدین سان حضرت از هر عاملی برای نگهداری تفوق اجتماعی و جلوگیری از تفرق استفاده می کرد و حتی در جریان تخریب مسجد ضارا!

حفظ وفاق ملی

سیاست پیامبر اکرم (ص) درباره ویران کردن مسجد ضرار دقیقا به قصد ایجاد يك مانع مؤثر برای جلوگیری از ظهور شکاف سیاسی در جامعه اسلامی بود تا پیایی، وفاق ملی آسیب نبیند.

بر این اساس، پیامبر بزرگوار اسلام(ص) حتی در آخرین سفارشهای خود به امت اسلامی نیز چنین می گوید: «ایها الناس، ان دماءکم و اموالکم علیکم حرام الی ان تلقوا ربکم، کحرمة یومکم هذا، و کحرمة شهرکم هذا...» و نیز در آخر خطبه دارد که: «... ایها الناس اسمعوا قولی و اعقلوه، اعلموا ان کل مسلم اخ للمسلم و ان المسلمین اخوة». (۱۱)

۲ - راهبردهای قومی و میهنی

الف) نفی نژادپرستی و قومیت گرایی

یکی دیگر از راه حل هایی که پیامبر مکرم اسلام(ص) در مسیر بنیانگذاری وحدت امت اسلامی به کار می گرفت، نفی نژادپرستی، قومیت گرایی و تبعیض های ناروا و ناپسند بود.

شکستن ارزشهای جاهلی

مبارزه پیامبر اکرم(ص) با برده داری آن زمان که همراه افزایش تدریجی قدرت سیاسی و اجتماعی حضرت با قاطعیت روزافزونی نیز توأم بود، بهترین شاهد است. این جنبش، بخشی از حرکت های عدالت خواهی پیامبر(ص) در برابر ظلم آشکار آن دوره به شمار می آید چرا که حضرت به دنبال تاسیس جامعه فلاح پسند دینی و پایه گذاری حزب رستگاران است که: «الا ان حزب الله هم المفلحون» (مجادله ۲۲) و نیک، از قرآن آموخته ایم که فلاح و سعادت با ظلم و شقاوت قابل جمع نیست: «... انه لا یفلح الظالمون». (انعام / ۳۵)

یکی از تلاشهای پیامبر اکرم(ص) در دوره ابتدایی حضور ده ساله مکه مکرمه، گسستن مبانی نظام ارزشی حاکم بر جامعه جاهلی آن زمان بود. در بافت پیوندهای عشیره ای؛ بردگان و کنیزکان بدون اذن صاحبان خود، حق هیچگونه تصمیم گیری مستقل و یا اظهار مشارکت اجتماعی خاص نداشتند. اجازه برده ها در پذیرش یا عدم پذیرش معتقدات دینی خویش نیز به دست خود آنان نبوده است.

دعوت فرهنگی پیامبر اکرم(ص) به توحید، و نیز دعوت ارزشی حضرت به ایجاد تعلق دینی و حب اجتماعی توحیدی، سبب شد تا زمینه شکستن چنین تبعیضهای ظالمانه ای فراهم گردد، معیارهای جاهلی روابط نسبی از بین رفته و در نهایت افراد، بدون وابستگی قومی و قوم گرایی به دین جدید بگرایند چرا که: «لأعصیة فی الاسلام».

حاصل توفیق پیامبر اکرم(ص) در به کارگیری این راه، مسلمان شدن افرادی از عشیره ها و قبایل متعدد مشرکین و تتمدن آنان از قوانین نظام قبیله ای و سپس، پیوستن به صفوف مؤمنان بود. این روش، علاوه بر تاثیرگذاری «ارزشی و اجتماعی» یعنی ایجاد یاس و وحشت در دل مشرکان و ویران شدن اصول ارزش حاکم، زمینه ای برای زایش نظام اجتماعی جدید پدید آورد.

ارزش مساوات توحیدی

بعدها پیامبر اکرم(ص) در قالب فرمان، ارشاد یا نصیحت، مسلمانها را رهنمون به آزادسازی بردگان می سازد و خود نیز چنین می کند و این فرمان «خدای» بود که ایمان به خود و آخرت و پیامبران را با بخشش مال در جهت آزادی انسانهای دیگر همسنگ می داند: «.. ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر والملائكة والكتب والنبيين واتى المال على حبه ذوی القربى و... وفی الرقاب و...» (بقره ۱۷۷)

حضرت، افرادی مانند «زید بن حارثه» را فرمانده سپاه اسلام، «بلال حبشی» را مؤذن ویژه قرار می دهد و از «سلمان فارسی» ایرانی تجلیل می کند و به او مقام و منزلت والا می بخشد تا به این ترتیب هم با تبعیضهای موجود به مبارزه برخیزد: «من اعتق مؤمنا اعتقه الله العزيز الجبار...» و هم بتدریج ارزش تقوا را ملاک منصبها و منزلت های اجتماعی، معرفی نماید که: «ان اکرمکم عندالله اتقیکم...» (حجرات ۱۳)

پیامبر اکرم(ص) آشکارا اعلام می کرد آن غلام حبشی و این سید قریشی (هر دو) در نزد من یکسان هستند و بدینسان آن حضرت را منادی به حق مساوات توحیدی دانسته اند. چه این که: «کلکم لآدم و آدم من تراب لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی». (۱۲)

به هر حال رعایت تساوی و عدالت توسط پیامبر اکرم(ص) که دقیقا در برابر ظلم و تبعیضهای رایج قرار داشت، از مؤثرترین راهکارهای ایجاد وحدت اسلامی در جامعه آسیب دیده آن روزگار بود.

در متون تاریخی و روایی می خوانیم که حضرت تفاوتی بین برده و غیربرده نمی گذاشت و خود نیز در اجرای احکام، طعم شیرین حق مساوات و عدالت را به دیگران می چشانید؛ که حتی در جمع مسلمانان، جایگاه پیامبر خدا(ص) ناپیدا بود و هر زمانی در مجلس می نشست افراد ناشناس بسادگی نمی توانستند حضور رسول الله(ص) را نزد مردم بیابند. اوج درخشش این مساوات طلبی حتی در چشمان مبارك رسول رحمت نیز نمایان بود که: «کان رسول الله یقسم لحظاته بین اصحابه، ینظر الی ذا و ینظر الی ذا بالسویة». (۱۳)

البته شکی نیست که همه این آداب الهی در جلب حمایت توده مردم بسیار مؤثر بوده است. حضرت در یک تمثیل گویا می فرماید: «ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط لا فضل للعربی علی العجمی ولا للاحمر علی الاسود الا بالتقوی». (۱۴)

این سیره با درایتی خاص و تدبیری موشکافانه در دوران حکومت پیامبر اکرم(ص) نیز دنبال می شود تا همواره نقش خود را به عنوان یکی از ابزارهای ارزشی وحدت ساز ایفا کند. پیامبر صلی الله علیه وآله درصدد است تا همه پایه های نابرابری های جاهلی را از میان بردارد و بازگشت به عهد جاهلیت و پسند احکام غیرالهی را ناممکن سازد که: «افحکم الجاهلیة بیغون...» (مائده/۵۰)

رسول الله(ص) خود، آغازگر این حرکت بزرگ اجتماعی - ارزشی است و از هر رخدادی در جهت القا و تثبیت روح مساوات و عدالت انسانی در جامعه نوپای آن زمان بهره می برد. در جایی به زیبایی تمام می فرماید: «ان الله یکره من عبده ان یراه ممیزا بین اصحابه». (۱۵)

بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت:

نفی قومیت گرایی و هر نوع تعصب ناپسند جاهلی، همیشه مدنظر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله بوده است و هشدارهای حضرت نیز به کسانی که حسب و نسب را ملاک افتخارات و ارزشها می دانستند، در تاریخ اسلام ثبت شده است:

«سلمان فارسی در مسجد پیامبر(ص) نشسته بود. عده ای از بزرگان اصحاب نیز حاضر بودند و سخن از اصل و نسب به میان آمد هر کسی درباره اصل و نسب خود چیزی می گفت تا این که از سلمان سؤال کردند... او گفت: انا سلمان بن عبدالله، کنت ضالا فهدانی الله عزوجل بمحمد، کنت عائلا فافغانی الله بمحمد وکنت مملوکا فاعتقنی الله بمحمد. سپس پیامبر(ص) وارد شدند و سلمان گزارش جریان را به حضرت رساند. رسول اکرم صلی الله علیه وآله به آن جماعت که همه از قریش بودند فرمود: یا معشر قریش ان حسب الرجل دینه و مروثه خلقه و اصله عقله. (۱۶)

همچنین در روایت دیگری، افتخار و فخرفروشی بر محور تعصبات قومی را از آتش جهنم می شمارد: «لید عن رجال فخرهم باقوام انما هم فحم من فحم جهنم...» (۱۷)

در همین ردیف باید بر زندگی بسیار ساده پیامبر عزیز(ص) اشاره کرد که به نقل امیرالمؤمنین علیه السلام حتی اجازه نصب پرده ای با نقش و نگار معمولی را بر در خانه خود نمی دهد. این امر، بهترین شاهد و عالی ترین زمینه برای جذب انسانهای محرومیت کشیده آن زمان و عامل تحقق وحدت دینی بود. به نقل صحابه آن حضرت: «کان رسول الله(ص) خفیف المؤمنة». زیباترین تعبیر پیرامون نقش ارزشی پیامبران همان است که در نهج البلاغه می خوانیم: «مع قناعة تملأ القلوب والعيون غنى و خصاصة تملأ الابصار والاسماع اذی». (۱۸)

حمایت از محرومین: در جهت نفی تعصبات قومی، خط مشی حمایت از محرومین و بیچارگان نیز قرار دارد. این گروه که عمدتاً بردگانی از مردان و زنان اند طبق قوانین حاکم، زیر پوشش حمایتی هیچ قوم و قبیله ای نبودند و لذا از کلیه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم می شدند و به دلیل ساخت سیاسی خاص دوران جاهلی و نیز ناتوانی های گوناگون این افراد، امکان پی ریزی جامعه ای مستقل را هم نداشتند.

در چنین شرایطی، مخالفت پیامبر اکرم(ص) با تبعیض ها و قوم گرایی ها و از سوی دیگر، حمایت از محرومان، سبب جذب این گروه به اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله می شد و بدین ترتیب گروه کثیری بر محور رسول خدا(ص) وحدت اجتماعی و سیاسی پدید می آوردند. در واقع، محتوای فکری دعوت حضرت در اعلام اصالت تقوا و کرامت انسانی و نیز مقتضای عملکرد او، نقش یک ابزار پویا برای ایجاد وحدت اسلامی نوین را ایفا کرد.

این اعلام حمایت و جانب داری که بتدریج دامنه پوشش آن نیز گسترده می شد، توانست نیروهای خسته و گریزان، ستم دیده و درگیر تردیدهای فکری را به مرکزی واحد هدایت کند و پایه های وحدت دینی را استوار سازد.

ب) نقش بیت الله

با نظری به رویدادهای تاریخ اسلام بعضی راه حل های دیگر نیز به چشم می آید که در آنها به نحوی از ظرفیت و مقتضیات موجود جامعه آن زمان در جهت تحقق وحدت اسلامی بهره برداری شده است.

در این باره تاثیر کعبه مکرمه و کیفیت استفاده پیامبر اکرم(ص) از آن به عنوان یکی از ابزارهای ارزشی وحدت ساز شایان توجه است چه این که: «ان اول بیت وضع للناس للذى ببكة مباركا وهدى للعالمين». (آل عمران / ۹۶)

پیامبر(ص) از موقعیت مکانی مکه و فرصت زمانی ایام حج در مقطعی که تمام مردم جزیره العرب به آن جا می آمدند بهره می برد تا دعوت توحیدی خود را به مهتران و بزرگان قبایل ارائه دهد. در متون تاریخی نام قبیله های «بنی حنیفه»، «کنده»، «بنی صعصعه»، «کلب» و دیگران را در فراخوان حضرت می بینیم و حتی گرایش مردم یثرب به اسلام هم از طریق همین تدبیر در استفاده از موقعیت خانه خدا و موسم حج بوده است: «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما للناس». (مائده / ۹۷)

میزان کارآمدی این عامل در تمایل و کشش توده ها به سوی پیامبر(ص) به قدری بود که کفار و مشرکان را کاملاً در موضع انفعالی قرار می داد. آن گونه که پیش از آغاز مراسم برای جلوگیری از شعاع نفوذ پیام نبی(ص) به مشورت می پرداختند تا مناسب ترین شیوه های تبلیغی و روانی را برای تغییر اذهان مخاطبان و مردم به کار گیرند. شعارهای روانی - سیاسی آنها این بود: «وقالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون». (حجر / ۶)

و مهم این است که در تبلیغاتشان، روح تعصب های نژادی و قومی موج می زد: «ویقولون ائنا لتارکوا آلهتنا لشاعر مجنون». (صافات / ۳۶)

۳ - راهبردهای اجتماعی و فردی

الف) حمیت عربی و حس مشترک

بهره برداری پیامبر اکرم(ص) از اخلاق و خصوصیات روحی عرب جاهلی در جهت اهداف توحیدی و بویژه تحقق وحدت اسلامی، یکی دیگر از راهبردهای ارزشی به شمار می آید.

ظرفیت های روحی جامعه آن زمان در تمامی شرایط اجتماعی خاص خود تنیده شده بود و پیوندی مستحکم با پیشینه تاریخی اش داشت؛ سعی پیامبر(ص) این بود که قابلیت ها را به سمت مطلوبیت های مورد نظر هدایت کند و به نوعی، آمیزه های اخلاقی نوینی به وجود آورد. بدین سان پیامبر عزیز(ص) از این امکانات اخلاقی و روحی برای پدیدآوری یک همگرایی دینی و استحکام علائق مشترک اعراب در جهت آرمانهای امت واحده استفاده می کند.

روحیه تعصب و حمیت عربی، تعهد و وفای به عهد و پیمان، شجاعت و دلاوری یا میهمان نوازی، نمایانگر شاخصه های اجتماعی اعراب جاهلی شده است: «اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجاهلیة...» (فتح / ۲۶)

و در همین حرکت پیامبر اکرم(ص) اصلاح و بهسازی ارزشهای حاکم در چارچوب نظام ارزشی اسلام را یکی از کلیدهای رویکرد اتحاد اسلامی می داند. به این صورت که تعصب به قوم و قبیله، حفظ و بزرگداشت منزلت عشیره و رؤسا و بزرگان آن و نیز واکنش در حمایت از افراد طایفه (که معمولاً به نحو صریح یا ضمنی توأم با گونه ای تعهد و پیمان بود) بارها و بارها در تاریخ اسلام سبب حمایت از حضرت در مواضع مختلف و اصولاً، زمینه تشکیل اولین وحدت سیاسی و علنی اسلام تلقی می گردد. پیامبر(ص) خود می فرمود: «ما نالت منی قریش شیئاً اکرهه حتی مات ابوطالب». (۱۹)

به هر حال، چنین بیعت هایی نه تنها در محدوده داخلی که بیشتر در تعهد قبایل نسبت به یکدیگر نیز کاربرد داشت و طبق رسوم جاهلی تا زمان اعلام انصراف هم پیمان یا هم پیمانان به قوت خود باقی می مانده است. و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از همین طریق دیگران را دعوت به اسلام می کرد و در طول تاریخ مکرر بین حضرت و افراد یا گروهی از یاران، پیمانهای گوناگونی منعقد می گردید که تکرار آن حاصلی جز فراگیری دامنه وحدت اسلامی نداشت. شبیه آنچه در «عقبه اولی»، «عقبه

ثانیه»، «بیعت در غزه بدر»، «بیعت رضوان» و غیر آنها روی داد.

شجاعت و دلیری اعراب که ریشه در وضعیت خاص آن جامعه و نیز مسایل جغرافیایی و طبیعی داشت، هیچ‌گاه به صورت مطلق از ناحیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرود و مذموم دانسته نشد بلکه این روحیه خاص نیز در مسیر اصلاح و امور پسندیده و صحیح قرار گرفت. و بدون تردید این امر در گسترش حاکمیت سیاسی اسلام که فقط در طی ده سال، بیش از هشتاد غزه و سریه را در پرونده خود جای داده، تاثیر بسزایی داشته است.

حضرت، در جنگهای بسیاری ضمن تجلیل و تمجید از روحیه شجاعت و سلحشوری سربازان اسلام، ارزشمندی آن را در محدوده عبادت و تقوای الهی مورد سنجش و مقایسه قرار می داد و بدین‌سان شیوه تعدیل و تصحیح ویژگی های اخلاقی اعراب را برمی گزید مانند: «ضربة علیّ يوم الخندق افضل من عبادة الثقلین» از سوی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله در تقویت و اصلاح روحیه مهمان نوازی اعراب نیز می کوشد که این نیز سبب جذب فزونتر افراد به قلمرو مسلمانان است.

پیامبر اکرم (ص) مسلمین را امر به سخاوت و بخشش اموال و انفاق دارایی های خود می کرد بر مبنای: «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران / ۹۲) و خود می فرمود: «فأحسنوا صحبة السلام بالسخاء...» نیز در دوره اولیه تکوّن جامعه اسلامی از انصار می خواست مهاجران را مورد حمایت قرار دهند و مسلمانان مدنی هم با توجه به همان روحیه خاص اجتماعی، (که اکنون صبغه دینی هم پیدا کرده بود) چنین کردند تا آن جا که برای اسکان مهاجران در خانه های خود به قرعه کشی روی آوردند: «والذین تبوءوا الدار والايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولايجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا ويؤثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون». (حشر / ۹)

بدین ترتیب بهره بری پیامبر اکرم(ص) از این ظرفیت روحی که با صحنه گذاشتن و تعدیل دینی همراه بود، سبب شد تا وحدت اسلامی، هر روز با اقتدار بیشتری همراه باشد و به مرور زمانی، تسری یابد. البته نزد اسلام، اصل تعدد در ملیت و اقوام نفی نمی شود اما ستیزه جویی و ایجاد تشّت در وحدت سیاسی و وفاق عمومی جامعه اسلامی نیز مورد قبول نیست. چه این که: «انا خلقناکم من ذکر واثنی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا...» (حجرات / ۱۳) بدین ترتیب چنانچه تعصب در مسیر پایبندی بر غیر حق و تهی شدن از ارزشهای دینی و انسانی و تنها به صرف تکیه بر قومیت و ملی گرایی باشد، مورد پذیرش دین و پیامبر اسلام(ص) نیست: «لیس منا من دعی الی عصیة». (۲۰)

ب) آداب اخلاقی

پیامبر گرامی اسلام (ص) یکی از اهداف عالی رسالت خود را اتمام اخلاق نیک و تکمیل فضایل الهی و اخلاقی انسان می داند که: «انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (۲۱) و بر این بنیان یکی از موارد دیگری که می توان در زیرمجموعه راهبردهای ارزشی پیامبر(ص) در جهت ایجاد زمینه وحدت اسلامی یاد کرد، نحوه رفتار فردی و آداب خاصی است که از آن حضرت در متون تاریخی آورده اند چه این که: «وانک لعلی خلق عظیم». (قلم / ۴)

برخوردهای پرجاذبه

اخلاق نرم و خوی پر جاذبه رسول حق همواره یکی از مهمترین ابزارهای ارزشی وحدت دینی و فرونشاندن اختلافها و نزاعها و جذب انسانهای پاک سرشت بوده است: «فیما رحمة من الله لنت لهم ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک...» (آل عمران/ ۱۵۹)

رویدادهای تکان دهنده تاریخ اسلام آن چنان آشکار و گویاست که هیچ نیازی به ترجمان تحلیلی ندارند چه این که: «الم نشرح لک صدرك» (شرح / ۱) یکی از هزاران: فردی به نام «غورث بن الحارث» در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر در دست گرفت و گفت: «من ینجیک منی»، رسول خدا(ص) می فرماید: «الله». لرزه بر اندام او افتاد و شمشیر از دست بینداخت. سپس، پیامبر او را آزاد کرد. همین شخص هر جا می رود می گوید: «جئتکم من عند خیر الناس». (۲۲)

و به واقع عنوان: «اطهر المطهرین شیمة و اجود المستطهرین دیمة...» (۲۳) تنها بر او زبینه بود. این سلوک و اخلاق نیکوی الهی است که او را اسوه حسنه و نمونه برتر انسان کامل می دانند تا آن جا که محبت معجزه آسای او سبب می شد مخالفان سرسختش به صف دوستان مؤمن سوق یابند (۲۴) و این آداب الهی، محور جمع و وحدت دلها قرار گیرد. دعوت فطری پیامبر(ص) جان تشنه هر حق خواهی را مجذوب او می ساخت و این، نیکوترین ابزار برای دمیدن روح وحدت دینی بود

پیوندهای خانوادگی

در ردیف آداب ویژه پیامبر می توان به فلسفه پیوندهای خانوادگی حضرت اشاره ای کوتاه کرد. بدون تردید با توجه به جایگاه خاص نظام قبیله ای در جامعه آن روز، یکی از آثار اجتماعی این امر ایجاد الفت، پیوند بین قبایل، و وحدت لایه های اجتماعی بوده است. این نوع پیوندهای قبیله ای (به نوعی) بدیل حلفهای قانونی و رسمی شناخته می شود و پیش از اسلام نیز ازدواجهای متقابل، دشمنی ها را به دوستی تبدیل می ساخت. به عنوان نمونه ازدواج پیامبر اکرم(ص) با «جویریة دختر حارث» از طایفه بنی مصطلق بود که مسلمانان، به سبب این خویشاوندی، بقیه اقوام او را آزاد کردند و در نهایت تمام طایفه او به اسلام پیوستند و یا ازدواج حضرت با «صفیه دختر حی بن اخطب یهودی»، سردار بنی قریظه که پس از اسارت، همسری پیامبر خدا را در برابر آزادی و الحاق به خانواده خود برمی گزیند و در آخر، به همراه گروهی از اقوام، اسلام می آورند.

۴ - امت اسلامی و وحدت دینی

این بحث را با نظری به رسالت امت اسلامی در تداوم رحمت نبوی تا تحقق وحدت اسلامی، به پایان می بریم: «وحدت»، جوهره قوام، پایداری و حیات هستی است و پیامبران، مامور و سرپرست احیای رحمت مطلقه الهی در دنیای انسانی

و محمد خاتم (ص)، پیامبر وحدت و رسول رحمت: «وجعلنی رسول الرحمة و رسول الملاحم». (۲۵)
رحمت واسعه الهی، با او جریان یافته: «واطيعوا الله والرسول لعلکم ترحمون» (آل عمران/۱۳۲) و امت بشری حول خاتمیت او
گرد می آیند: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین» (احزاب /۴۰) و با این همه، چشمه جوشان
رحمت الهی است که: «فما رحمة من الله لنت لهم...» (آل عمران /۱۵۹)
ندای وحدت او، صدای وحدت طلبی تمامی انبیای الهی است و این آهنگ شیرین در حلقوم مبارک او به کمال نهایه خود می
رسد

او آخرین پیامبران از سلسله منادیان رحمت و وحدت الهی است؛ «تقدم در غایت و تاخر در نوبت دارد یعنی: «لولاك لما خلقت
الافلاك».

و از این رو، به تمام شاخ و برگ های این شجره طیبه؛ رنگ، عطر، و میوه حیات ابدی می بخشد و با خاتمیت او، درخت نبوت
الهی معنا می یابد که: «ما من نبی آدم و من سواه الا تحت لوائی» (۲۶)

و از این پس، امت محمدی او؛ «امة مرحومة» و «امة آخرون السابقون»، و نیز، آخرین نخبگانی اند که پذیرای حضور اویند؛
و بی شك امت محمد(ص) رسالت گسترش دعوت او را تا توسعه امت واحده الهی در پهنه ارض به دوش دارند چرا که: «کنتم
خير امة اخرجت للناس...» (آل عمران /۱۱۰) و همانانند که برگزیدگان خداوند و غیر آنان، زیانکاران: «ومن یتغ غیر الاسلام دینا
فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین» (آل عمران /۸۵)

به آرزوی روزی که وحدت اسلامی، راهی برای پیوند جوامع اسلامی، به امت واحده الهی گردد و دعوت «امت» با دعوت
«خدای»، همسان که: «والله یدعوا الی دارالسلام ویهدی من یشاء الی صراط مستقیم». (یونس /۲۵) آن افق روشن و درخشان
که پیامبر وحدت برای امت عزیز اسلام به زیبایی تمام ترسیم نمود و شایسته: «فطوبی لک یا محمد و لامتک». (۲۷)

طریقی که وحدت امت را زمینه احیای امت واحده می دانست چرا که احیاء امت واحده را با جوهره اقامه دین (تقوا و عبودیت
الهی) همدریف شمرده: «... ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون» (انبیاء /۹۲) و از سویی، اقامه دین حق (در سلسله
انبیاء) را نیز به وحدت می پیوندد: «شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک ما وصینا به ابراهیم و موسی و
عیسی ان اقموا الدین ولا تتفرقوا فیه...» (شوری /۱۳)

و بدون تردید استجاب و پذیرش ندای «پیامبر وحدت» به وحدت دینی، قبول و احیای حیات ابدی انسانی و الهی امت اوست
که: «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال /۲۴) و این دستور قطعی الهی است که: «یا ایها
الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول ولا تبطلوا اعمالکم» (محمد /۳۳) دستوری که تخلف از آن، تباهی و سیاهی آشکارا، به
دنبال دارد: «ومن یعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا مبینا». (احزاب /۳۶)

و به این ترتیب؛ امت واحده، راهی است تا تفوق تمام: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله وکفی
بالله شهیدا». (فتح /۲۶) و سپس تسری این حقیقت نهفته الهی به همه وجدان های خفته که: «محمد رسول الله» (فتح /۲۹)
و در نهایت از حال تا آینده امت واحده فرایندی است به میزان یک اراده جمعی یک تمایل معمولی و نیز صبری استوار و پایدار:
«یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین» (بقره /۱۵۳) و آن گاه پیامد آب حیات وعده الهی: «فاصبر ان
وعد الله حق» (روم/۶۰)

این ره یافتی است که به جای مقصد، مسیر، و مایه های درونی، بیشتر نیازمند همگرایی اراده و تمایلات وحدت طلبانه
مسلمانان جهان حول محور جمع و نظام بخشیدن به آن است.

و آینده روشن، از آن مؤمنان مجاهدی است که نور وحدت می نشانند و کمال آن می افشانند چه این که: «یریدون ان یطفئوا
نور الله بافواهم ویابی الله الا ان یتیم نوره ولو کره الکافرون» (توبه/۳۲) و آنگاه خشنود از سپاس الهی: «و رضوان من الله اکبر
ذلك هو الفوز العظیم». (توبه/۷۲)

نتیجه گیری

وحدت امت همواره یکی از آرمانهای دینی پیامبران توحیدی قلمداد می شده و بر این بنیان، یکی از محورهای مهم دعوت
پیامبر اکرم(ص) نیز پی ریزی شاکله های پیدایش آن بوده است.

تحلیل رویدادهای تاریخ اسلام گویای آن است که در جهت تلاشهای «سیاسی» و «فرهنگی» حضرت برای تحقق این هدف،
«راهبردهای ارزشی» نیز کارایی خاص داشته اند تا آن جا که با شناخت دقیق ظرفیت های اجتماعی حاکم بر جامعه، ابزارهایی
برگزیده شده تا زمینه پذیرش و گرایش همگانی را به سوی ایجاد وحدت امت متمایل گرداند.

طرح پیمان نامه ملی مدینه بهترین راه برای ایجاد یک وحدت عمومی و القای روحیه همبستگی دینی بود و در همین راستا
پیمان ویژه مسلمین، راهکاری مذهبی برای پیوند روح برادری به حساب می آمد. استفاده از راهبردهای ملی و مذهبی تنها می
توانست پایه های استواری اجتماعی جامعه را نمایان سازد؛ اما، در این میان مبارزه با نژادپرستی و قوم گرایی و یا به کارگیری
عقلانه موقعیت ها و مکانهای تجمع عمومی نیز، از جمله راهکارهای قومی و میهنی لازم جهت دستیابی به وحدت طلبی شمرده
می شد و با این همه، بهره گیری پیامبر(ص) از ظرفیت های اخلاق اجتماعی و نیز توان اخلاق فردی، امری قابل توجه است.

بدین ترتیب، یکی از ضروری ترین راههای پی ریزی وحدت دینی در امت بزرگ اسلامی، هماهنگی اراده ها و تمایلات ارزشی
جوامع بر بنیاد همانند سازی ابزارهای سه گانه فوق است؛ یعنی: «راهبردهای ملی و مذهبی»، «قومی و میهنی» و نیز «اجتماعی
و فردی».

- ۱- حمیدالله، محمد: اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۵، ص ۵۵-۶۴.
- ۲- علامه هندی، علاءالدین، کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۱۴۹.
- ۳- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵.
- ۴- تفصیل این سخن را در جای خود باید دنبال کرد؛ نگاه کنید: حسینی، سید حسین: «علوم انسانی اسلامی، مبنای تحقق وحدت فرهنگی»، نامه فرهنگ، بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۹ و نیز: جزوه درسی «عرفان دینی» از همین قلم.
- ۵- روایت پیامبر صلی الله علیه و آله در کنزالعمال، جلد ۱، ص ۱۴۹.
- ۶- علامه مجلسی، محمدتقی، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق، جلد ۳۹، ص ۵۶.
- ۷- المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدةالابرار، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱، جلد ۹، ص ۲۷۱-۲۶۷.
- ۸- حاج سید جوادی و دیگران، دایرةالمعارف تشیع، تهران، سازمان دایرةالمعارف تشیع، ۱۳۶۶، جلد ۱، ص ۲۴۳.
- ۹- تاریخ پیامبر اسلام، ص ۲۷۲.
- ۱۰- بهشتی، سید محمد، محیط پیدایش اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۱۴۷.
- ۱۱- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک: السیرة النبویه، قم، انتشارات ایران، ۱۳۶۳، جلد ۴، ص ۲۵۰.
- ۱۲- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب: تاریخ یعقوبی، لیدن، ۱۸۸۳م، جلد ۲، ص ۱۱۰.
- ۱۳- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق: الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳، جلد ۸، ص ۲۶۸.
- ۱۴- بحارالانوار، جلد ۲۲، ص ۳۴۸.
- ۱۵- مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، به نقل از «هدیه الاحباب» داستان روایت را آورده است.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۲، ص ۷۵ و ۷۶.
- ۱۷- سنن ابی داوود، جلد ۲، ص ۶۲۴ به نقل منبع پیشین، ص ۷۴.
- ۱۸- نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات سهامی عامل، ۱۳۷۱، خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۵.
- ۱۹- تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۶۸.
- ۲۰- بحارالانوار، جلد ۷۳، ص ۲۸۳.
- ۲۱- همان، جلد ۱۶، ص ۲۱۰.
- ۲۲- البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، چهار جلدی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر، بی تا، جلد ۲، ص ۵۳۹.
- ۲۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵.
- ۲۴- پاره ای مورخان داستانی از کافری خشن و معاند نقل می کنند که به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله به مهمانی رفت و در نهایت با ایمان خارج شد. این جریان نمونه جالبی از همین تاثیر اخلاقی و الهی خاص پیامبر رحمت است. نگاه کنید: زرین کوب، عبدالحسین، بحر در کوزه، تهران، علمی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.
- ۲۵- شیخ صدوق، ابوجعفر، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹ ق، ص ۵۱.
- ۲۶- بحر در کوزه، ص ۱۱۵.
- ۲۷- معانی الاخبار، ص ۵۱.